

میهن‌انان ام‌الرحاص

خاطرات خودنوشت غواص جانباز لشکر ۳۱ عاشورا

سید جعفر حسینی ودیق



سهم صریح و آمار

سرشناسه: حسینی ودیق، سیدجعفر، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور: میهمانان ام‌الراضا، خاطرات
خودنوشت غواص جانباز لشکر ۳۱ عاشورا/ نویسنده
سیدجعفر حسینی ودیق؛ ویراستار روح‌الله رشیدی؛
[برای] دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری مراکز استانی.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۹.
مجموعه‌های ظاهری: ۳۹۲ ص: مصور، عکس.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴۹۷۳-۰
وضعیت اثر: سبک: فینیا
عنوان دیگر: خاطرات خودنوشت غواص جانباز لشکر
۳۱ عاشورا.
موضوع: حسینی ودیق، سیدجعفر، ۱۳۳۸ - خاطرات
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۴ - خاطرات
موضوع: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ - Personal
narratives
موضوع: جانبازان - ایران - خاطرات
موضوع: Disabled veterans - Iran - Diaries
موضوع: غواصان - ایران - خاطرات
موضوع: Divers - Iran - Diaries
شناسه افزوده: رشیدی، روح‌الله، ۱۳۵۸ - تنظیم‌کننده
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، اداره کل تبلیغات
اسلامی استان زنجان. حوزه هنری. دفتر فرهنگ و
مطالعات پایداری
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
رده‌بندی کنگره: DSR۱۴۲۹
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۳۱۵۸۵
وضعیت رکورد: فینیا



باسم
بارگستر
نقوسنی
ای کتاب
سکت
نماید

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)
دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری مراکز استانی



میهمانان ام الرصاص

خاطرات خودنوشت غواص جانباز لشکر ۳۱ عاشورا

نویسنده: سید جعفر حسینی ودیق

ویراستار: روح الله رشیدی

طراح جلد: الهه اکبری پور

جیب و صحافی: واژه پرداز اندیشه

جیب اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۴۹۷۲-۸

www.soorfemehr.ir

نشانی انتشارات: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت،

پلاک ۲۳، تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۰۹۹۳

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان سمیه، رسید به خیابان

حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۸۸۲۴۱۰۰۰-۲

فروشگاه انقلاب: تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب،

جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۲۳، تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹

فروشگاه اصفهان: اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل،

کدپستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۳۱-۲۲۲۴۷۷۳۵-۶

Sooremehr.ir

Mehrak.ir

@Sooremehr

۶۶۴۶۰۹۹۳ (پنج خط)

۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

۳۰۰۰۵۳۱۹

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

دانلود کتابخوان سوره مهر

با وارد کردن کد تخفیف hisama در اولین خرید خود از کتابخوان سوره مهر ۵۰٪ تخفیف بگیرید.



۱۵	کوه کمری ام
۳۳	هله اوشاقسان!
۴۱	پادگان الغدير
۵۹	اولين اعزام
۷۳	عقبه خط دفاعي
۹۱	خط مقدم فاو
۱۱۱	ت ریزه وندی
۱۲۹	فدایا، کارون
۲۱۲	بزم خون در ام الرصاص
۲۶۵	کربلای شلمچه
۳۰۱	سال‌های دور از جبهه
۳۱۷	کمینگاه جهنمی
۳۴۷	تصاویر

مقدمهٔ راوی

مشغول زندگی ام بودم. سرم گرم کار و درس و دانشگاه بود. نه اینکه عافیت طلب شده باشم؛ نه! منظورم این است که همه چیز سر جایش بود و خط زندگی همین طور ممتد و مستقیم پیش می رفت. تا خرداد ۱۳۹۴ که گفتند بیکم ۱۷۵ غواص دست بسته در راه است... اولش باور نکردم. گفتم شاید یکی بنده خدایی یک جایی خبری شنیده و حالا دارد بزرگش می کند. این خبر چند روز دهان به دهان چرخید و کم کم جدی و جدی تر شد؛ و شد آنچه شد!

گویی زمان در آن نقطه برایم ایستاد. خودم نیز هرجا بودم همان جا ایستادم. ایستادم و خودم را بازخواندم: «من کی ام؟ از کجا آمده ام؟ چه دیده ام؟ چه شنیده ام؟ این ها که هستند؟...»

هر بار که این خبر برایم تکرار می شد، از جا کنده می شدم و به دوردست ها می رفتم؛ دوردست های آشنا: به لب کارون، خین، نقطهٔ رهایی، اروند و ام الرصاص.

هاج و واج چشم دوخته بودم به مردم که غواص ها را چون نگینی در میان گرفته بودند و با موج اشک و حسرت این سو و آن سو می بردند؛ درست مانند اروند خروشان.